

قانونگذاری، قانونگریزی و سبک زندگی ایرانی اسلامی

علی ملکی^{۱*}، داود قاسمی^۲، هدی اصغری^۳، علی هدایتی^۴

Legislative, illegality and Iranian and Islamic lifestyle

Ali maleki, dr davood ghasemi, hoda asghari, ali hedayati

Email: justice.ali.maleki@gmail.com

چکیده

سبک زندگی ایرانی اسلامی با پیشرفت روز افزون تکنولوژی و در راستای آن تدوین قوانین جدید متأثر از آیین، تربیت دینی، آداب و رسوم گذشته و همچنین مهمتر از همه؛ عرف عمومی که این عرف خود متأثر از تکنولوژی روز با ابعاد گسترده ای همچون رسانه است دستخوش تغییراتی بسته به شرایط زمانی و مکانی گردیده است. این تغییرات از سویی به صورت مثبت نمود پیدا کرده است و از سویی دیگر؛ با آموزه های دین مبین اسلام منافاتی پیدا کرده است. در پاره ای از موارد قانونگذار با دست بردن در ساختارهایی از موجبات بی نظمی در مجموعه هایی شده است که ما را از هدف دور نگاه داشته است. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی با استناد به مطالعات کتابخانه ای ابتدا به دنبال مسائلی است که نه تنها باعث رشد و توسعه فرهنگ زندگی اسلامی نمی شود بلکه پیشنهادات کاربردی هم برای برطرف نمودن این نوع مشکلات ارائه داده است.

کلیدواژه: گزاره های اخلاقی، قانون، عرف، زندگی اسلامی، تکنولوژی

مقدمه و تاریخچه

در جامعه کنونی و نسل جدید تحت تاثیر تکنولوژی؛ تعلیم و تربیت افراد دارای پیچیدگی خاصی است و باید در ابعاد مختلف کار کرد. رشد و تعالی فرهنگ اسلامی و در پی آن سبک زندگی اسلامی در جامعه باید از آموزش و پرورش آغاز شود و فرهنگ اسلامی را باید از مدارس ابتدایی آغاز کرد و به همین صورت تعلیم دینی را در کانون خانواده پایه ریزی کرد. به این مورد باید توجه کرد که تا گزاره های اخلاقی وارد حیطه قانون نشود اما مشاهده می شود تا حدی این گزاره های اخلاقی ورود پیدا کرده و منجر به قانون گریزی شده است. در راستای نیل به مقصود باید مساجد را که از بازوهای مهم در تعلیم و تربیت می باشند توجه زیادی نمود. اخلاص یکی از مهمترین شاخصه های تعلیم و تربیت است به صورتی که امام علی (ع) می فرماید: موفقیت در کارها به

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا دانشگاه شمال ۰۹۱۱۱۱۸۷۶۷۸ justice.ali.maleki@gmail.com نویسنده مسئول

۲. استاد یار دانشکده حقوق دانشگاه شمال davood_ghasemi_143@yahoo.com

۳. دانشجوی رشته کارشناسی حقوق دانشگاه شمال، hodaasghari.es.996@gmail.com

۴. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا دانشگاه شمال.

خالص کردن نیت هاست.^۵ شاخصه مهم دیگر؛ در تعلیم اسلامی زیستن و اسلامی شدن، میانه روی است چنانچه پیامبرگرمای اسلام می فرماید: میانه روی و نیک روشی و شیوه درست و پسندیده، جزو بیست و اندی نبوت است.^۶

عبارت «سبک زندگی»^۷ در شکل نوین آن اولین بار توسط «آلفرد آدلر»^۸ روانشناس اتریشی در روانشناسی در سال ۱۹۲۹ میلادی ابداع شد. این عبارت به منظور توصیف ویژگی های زندگی آدمیان مورد بهره برداری قرار گرفت. هر جامعه ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می دهد. در جوامع سنتی انتخاب های مبتنی بر مصرف به شکل گسترده ای براساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می شود؛ در حالی که در جوامع مدرن به هر حال مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیت هایی هستند که به نوبه خود هویت اجتماعی را خلق می کند. در طول تاریخ می توان به این نکته مهم توجه نمود که هیچگاه با قوه قهریه سبک زندگی شکل نگرفته است و این خواست اجتماعی بوده که به سبک و سیاق زندگی شکل داده است. بنابراین خواست اجتماعی که متشکل از عوامل محیطی پیرامون جوامع و همچنین عامل مهم اقتصاد در زندگی مردم از مهمترین عوامل تاثیرگذار در سبک زندگی مردم بود. پیشینه ی فرهنگی ایران نشان می دهد که مردم ایران در پذیرش و یا رد اندیشه ها تعصبی نداشته اند. مهمترین ویژگی مردم ایران خضوع در برابر منطق و برهان و دلیل است و این مسئله در ابعاد مختلف و متنوعی بروز کرده است. یعنی مردم ایران در طول تاریخ نشان داده اند در برابر گفتمان منطقی هیچ گونه مقاومت تعصب آمیزی ندارند. اساسا مبنا و پشتوانه چنین روحیه ای، حالت عدم تعصب مردم ایران نسبت به یک اندیشه ی خاص است. آن چیزی که برای مردم ایران اهمیت دارد حقانیت یک فکر و اندیشه است و از این نظر برای آن ها مهم نیست که این فرهنگ و اندیشه از یک خاستگاه ملی و وطنی برخاسته باشد، یا از خارج قلمرو و حوزه جغرافیایی و انسانی مردم و ملت ایران. وجود ویژگی روحی و فرهنگی مورد اشاره در ایرانیان موجب گردیده تا آنان در تعامل با سایر تمدن ها استعداد قابل توجه و برجسته ای داشته باشند و این مطلب را در گرفتن ویژگی ها و آموزه های مثبت سایر فرهنگ ها و تمدن ها نشان داده اند. طبعاً همین موضوع از مهمترین زمینه های پذیرش اسلام از سوی مردم ایران است. از جلوه های بارز رویکرد منطقی ایرانیان در برخورد با فرهنگ اسلام جستجوی خستگی ناپذیر سلمان فارسی (روزبه) برای نیل به آیین حق است. سلمان برای مطالعه علمی و مستقیم براساس منابع اصیل دین مسیحیت، جی اصفهان را به مقصد عموره در آسیای صغیر و قلمرو امپراطوری بیزانس، ترک کرد و مراحل عالی علمی و مناصب تشکیلاتی این آیین را که در آن زمان مشهورترین آیین داعیه دار حق و حقیقت بود نزد استاد بزرگ کلیسای آن جا طی کرد. سلمان تا در آخرین روزهای حیات استادش از او می خواهد که چنان چه مطالب ناگفته ای دارد برای وی باز گوید، استاد نسخه ای از انجیل را که تحریف نشده و یا کمتر تحریف شده بود به وی می دهد. در آن نسخه نشانه های پیامبر آخرالزمان آمده بود. به سلمان می گوید که من نمی توانم این نسخه را برای مردم بازگویم اما تو بدان که آنچه در این نسخه هست، عین حق و حقیقت است و این روزگار، روزگار ظهور پیامبر آخرالزمان است که در منطقه ی حجاز ظهور

۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم، دارالکتاب اسلامی، بی تا، ج ۱، ص ۶۵۱

۶. ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۶۷

۷. life style

۸. Alfred Adler

خواهد کرد... سلمان پیامبر را می‌بیند و می‌شناسد. به او ایمان می‌آورد و از بزرگترین صحابه می‌شود؛ به گونه‌ای که پیامبر در مورد ایشان فرمود: «سلمان منا اهل البیت^۹» و بعد از معصومین نیز احدی به مقام ایشان نرسید.

بیان مسأله

سوالات اصلی و اساسی که قرار است در پژوهش حاضر به آنها بپردازیم این است که: آیا ورود گزاره های اخلاقی که با عواملی چون تعلیم و تربیتو تلاش فرهنگی قابل اصلاح و تثبیت هستند به حیطة قانون صحیح است؟ آیا اصولا سیاست جرم انگاری و تنبیه می تواند به تنهایی کار گشا باشد؟ الگو برداری از زندگی معصومین(ع) تا چه حد می تواند در راستای نیل به مطلوب یعنی همان زندگی اسلامی یاری بخش باشد؟ نقش اماکن مذهبی در این مهم چیست؟ آیا خانواده می تواند به مثابه سدی عمل کند؟ صله رحم چه نقشی دارد؟ در این معادله جایگاه معلم و دوستان کجاست؟ با وجود تمامی عوامل مثبت آیا می توان جایگاه مهمی برای تهاجم فرهنگی قائل شد؟ نقش رهبری در این مقوله چیست؟ آیا صرفا اتکا به امر معروف و نهی از منکر ما را به مقصود می رساند؟ یا اینکه تلفیقی از تمامی موارد همچون عمل تمام اعضای بدن انسان است که به بهترین شیوه این مهم را به فعلیت می رساند؟ اقوال و راهکار های مختلفی که بیان شده است چیست؟ روش پژوهش در این نوشتار روش توصیفی و استناد کتابخانه ای می باشد. قبل از ورود به بحث لازم است تعاریفی که در مورد قانون، اخلاق، عرف مورد پذیرش عموم و قانون گریزی ارائه شود.

تعاریف

قانون عبارت است از قاعده ای که توسط یک قدرت عمومی مقرر شده و مدلول آن الزام یا اذن و اباحه است همه افراد باید از آن پیروی کنند^{۱۰}. با اندکی تأمل در قوانین می توان دریافت که قوانین دارای ضمانت اجرا می باشند که تخطی از آن ها موجبات مجازات را فراهم می کند. در تعریف اخلاق نیز گفته شده است: قواعدی است که در طول دورانی از زندگی بشری به وسیله افراد مورد احترام قرار گرفته است و آنها خود را مجبور به اطاعت از آن ها می دانند و تخلف از آن موجب ناراحتی وجدانی و تحریک افکار می گردد.^{۱۱} عرف، به مجموعه عادات، رفتارها و باورهای گفته می‌شود که صرفنظر از درستی یا نادرستی آنها از سوی افراد یک جامعه پذیرفته می‌شود. بشر بدوی برای هزاران سال در نبود قوانین مدون، روابط سیاسی و اجتماعی خود را با نگاهی عرفی تنظیم می‌نمود. نخستین پیشرفت اجتماعی و سنگ بنای تمدن امروزی را می‌بایست به کاربردن قوانین مدون به جای سلیقه های شخصی، اجتماعی و عرفی در روابط میان آدمیان دانست. عرف روش خاصی است که افراد در مسئله معینی پیروی می‌کنند، بدون آنکه در قانون ذکری از آن رفته باشد. به عبارت دیگر عرف قانون نانوشته ای است. به عنوان مثال؛ شیوه درود گفتن یا دست دادن که در جوامع گوناگون تفاوت‌هایی دارد بر پایه عرف تعیین می‌شود به سخن دیگر، عرف؛ عادت‌ها و رسومی است که عقلای جامعه آن را به طور کلی پذیرفته‌اند و آن را روا می‌دارند. یا به تعریف دیگر عرف به مجموعه‌ای از توافق‌ها، معیارها و هنجارها گفته می‌شود که از سوی عموم پذیرفته شده باشد. البته در ایران کاملا واضح و مبرهن است که سبک زندگی با آن تمدن کهن به

۹. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، قم، اسماعیلیان، ج ۱۸، ص ۳۹

۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ نهم ۱۳۸۳، ص ۱۲۲

۱۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۴، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوازدهم ۱۳۸۳، ص ۶۶



فراخور زمان شکل متناسب به آنرا می‌گیرد همچنانکه در گذشته وجود معانی ظریف فکری و مذهبی در پیشینه‌ی فرهنگی و تمدنی ایران در حقیقت سطح فکری مردم ایران را به حدی رسانده بود که یک فکر و اندیشه را خیلی راحت می‌توانستند تحلیل و بررسی کنند و صحت و سقم آن را دریابند. مردم ایران قرن‌ها و بلکه هزاران سال بود که با مفاهیم الهی و توحیدی و حتی اندیشه‌های فلسفی آشنا بودند؛ با این مفاهیم فکر و ذهن مردم ایران کاملا ورزیده شده بود و به راحتی می‌توانستند این مفاهیم را وارد دستگاه تجزیه و تحلیل منطقی و استدلالی خودشان بکنند و صحت و سقم آن و ضعف و قوت آن را دریابند و به آن واکنش مثبت یا منفی نشان بدهند. در همین ارتباط وقتی که با فکر و اندیشه و آموزه‌های اصیل اسلامی مواجه شدند به راحتی می‌توانستند این مفاهیم را بررسی و تحلیل کنند و در حقیقت به آن ندای فطرت خودشان پاسخ بدهند. در همین ارتباط مردم ایران به صورت آرام و داوطلبانه، بدون هیچ‌گونه تحمیلی که در این زمینه وجود داشته باشد به مرور اسلام را می‌پذیرند و به آن گرایش پیدا می‌کنند و به آن دل می‌بندند و از آن دفاع می‌کنند و آن را با تمام وجود وارد زندگی خودشان می‌کنند.

تئوری جرم انگاری^{۱۲} گزاره های اخلاقی^{۱۳}

برخی معتقدند که برای هر بی‌نظمی که در جامعه رخ می‌دهد می‌بایست قانونی تعریف و تصویب شود. قانونی که برای این مهم به وجود می‌آید باید فصل الخطاب باشد تا واقعیتی که می‌تواند به گونه‌ای نظم اجتماع را بهم بزند جرم انگاری نشود نمی‌توان با آن مقابله کرد. مثلا عمل شنیع خیانت به همسر باید جرم انگاری شود و بسیاری از مسائل دیگر. اما در رد یا حداقل تعدیل نظریه فوق باید گفت هر واقعیتی راه حل حقوقی ندارد بلکه راه حل‌های دیگری دارد. چون با ارائه راه حل حقوقی نه تنها به خود حقوق لطمه وارد می‌آید بلکه به آن بی‌نظمی شدت می‌بخشد. چون تجربه نشان داده که انسان و خصوصا ایرانیان با تحلیل و بررسی موضوعی را می‌پذیرند و هر گاه چیزی با اعمال قوه قهریه بر آنان تحمیل شده واکنش معکوسی را به همراه داشته است. پس اگر قانونی بدون تامل و تفکر تصویب شود و توان اجرایی درونی نداشته باشد بدین معنا که شخص خود را ملزم به تبعیت از قانون نداند در نتیجه متروک می‌شود و تخطی گران از این قانون متروک فکر می‌کنند می‌توان با قانون به مبارزه پرداخت در نتیجه قانون گریزی رخ می‌دهد. قانون گریزی تبعات منفی زیادی دارد، یکی از مهمترین تبعات آن در جایی است که قانونی خوب تدوین شده باشد که در این جا کسانی که قبح و زشتی ایستادن در برابر قانون را یکبار تجربه کرده اند با طرز تلقی غلط از این قانون خوب، با آن به مبارزه بر می‌خیزند که از موجبات وهن قانون است. همانطور که می‌دانیم حقوق و قانون از مجموعه قوانین و مقرراتی تشکیل می‌شود که مبین توقعات اساسی جامعه است بسیاری از قوانین بر اساس خواست جامعه شکل می‌گیرد ولی گاهی ما می‌بینیم گزاره‌هایی صرفا اخلاقی وارد محدوده قانون می‌شوند و نه تنها مشکلی را حل نمی‌نماید بلکه مشکلاتی همچون قانون گریزی گسترده را به وجود می‌آورد در حالی که به جای وضع قانون در این موارد باید کار فرهنگی انجام داد. برای مثال سگ گردانی در معابر عمومی جرم انگاری شده است ولی کار فرهنگی بابت آن انجام نشده است و نتیجه این شد که برخی‌ها با تصور اینکه مقاومت آنها برابر قانون، موجب شده که بتوانند به راحتی سگ گردانی کنند و عدم برخورد پلیس در قریب به اتفاق این موارد را از باب مقاومتشان در برابر قانون می‌دانند. پس این طرز تلقی که می‌توانند در جایی دیگر و قانونی اتفاقا مهم دیگر نیز مقاومت کنند در آنها شکل می‌گیرد. پس به نظر می‌آید برای بسیاری از جنبه‌های سبک زندگی می‌بایست کارهای تربیتی و

¹². Theory of criminalization

¹³. Ethical statements



فرهنگی انجام داد و قانون باید در امور مهم بین مردم ورود پیدا کند. باید بدانیم که قواعد اخلاقی در مورد خوبی و بدی اعمال انسانها قضاوت می کنند. احترام به قواعد اخلاقی ریشه در ضمیر و نهاد انسان دارد و بی آنکه نیازی به دخالت دولت باشد، بشر در وجدان خویش آنها را محترم و اجباری می داند.^{۱۴}

تئوری آموزش محور بر پایه مدارس و معلم

بسیاری از صاحب نظران معتقدند سبک زندگی اسلامی را باید از دوران دبستان و در مدارس پایه گذاری و آغاز کرد و مبنای این تفکر این است که برای نهادینه کردن فرهنگ اسلامی فقط آموزش تعالیم اسلامی کافی نیست و باید عنصر تربیت دینی را هم ضمیمه ی این تعالیم کرد تا زمینه عمل کردن به تعالیم اسلام در بین دانش آموزان و به تبع آن به مرور زمان در جامعه فراهم گردد. معلم در رشد و پرورش دانش آموزان، نقش بسیار مهمی را ایفا می کند. تمامی فعالیت‌های معلم، مانند شناخت فرآیند رشد کودکان و نوجوانان، شیوه های تدریس و علاقه مندی به رشته تدریس خود، از عواملی هستند که در آموزش و پرورش دانش آموزان، دخالت زیادی دارند. معلمانی که در تدریس خود از شیوه های متعددی استفاده می کنند، بر محتوای رشته تدریس خود تسلط دارند و به کار خود عشق می ورزند، اغلب دانش آموزانی توانا و خلاق پرورش می دهند. این نکته قابل توجه است که معلم و مدرسه نقش بسیار مهمی در راستای تربیت دینی و گسترش سبک زندگی اسلامی ایفا می کند و آن جایی است که معلم بردبار، نیکو سرشت و حساس به آینده کسانی است که اکنون تربیت آنها به وی محول شده است ولی به نظر نمی آید معلم به تنهایی بتواند این بار بزرگ را به دوش کشد. برای مثال خانواده ای را در نظر بگیرید که فرزندشان در مدرسه ای تحصیل می کند و معلم او را از مضرات مصرف گرای^{۱۵} آگاه ساخته است ولی خانواده اش در برابر دانش آموز مقاومت می کند. به نظر می رسد که اگر دانش آموز تسلیم تلقی غلط خانواده از مصرف گرایی شود در موقعیت های دیگری که مطلوب خانواده هم هست و معلم آموزش داده نیز بی تفاوت می شود چون شأن تعلیم صحیح معلم در مسئله قبلی از بین رفته است. از ارسطو داریم که: کسانی که کودکان را تربیت می کنند باید بیش از کسانی که آنان را بار می آورند مورد احترام قرار گیرند زیرا اینان تنها به کودک زندگی می بخشند، در حالی که معلمان هنر بهتر زیستن را به او یاد می دهند.^{۱۶} پس می توان دریافت که نظام آموزشی صرف آن هم فقط در مدارس نمی تواند راهگشا باشد.

تئوری تنبیه و تشویق

شکل گیری سبک‌های زندگی در خانواده ها با فرهنگ هایی که در آن جامعه ظهور می کند، مرتبط است؛ در این بین برای داشتن یک سبک از زندگی متعالی، توجه به خانواده می تواند مسیر را برای مرتفع شدن چالش های پیرامون این موضوع مهیا کند. ترمیم و بازسازی قسمت های مختلفی از فرهنگ و سبک زندگی با تربیت فرزندان در خانواده ها کلید می خورد و پس از آن تولیدات یک خانواده وارد بازار شده و می تواند در قسمت ها و سال های متمادی اثرگذاری محسوسی در جوامع داشته باشد.^{۱۷}

۱۴. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم ۱۳۷۸، ص ۵۴۶

۱۵. Consumerism

۱۶. مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷، ص ۴۸

۱۷. همتی، صفیه؛ نقش زنان در اصلاح سبک زندگی خانواده، جام جم آنلاین ۱۳۹۱



همه ما با اصطلاح تشویق و پاداش آشنایی داریم و می دانیم این دو ارتباط و پیوستگی نزدیکی با یکدیگر دارند. تشویق فرآیند پاداش دهی است به رفتار فرد، یعنی برانگیختن شوق و علاقه‌ی مجدد او به انجام همان رفتار. ساختار روانی انسان به گونه‌ای است که اگر مورد تشویق و دریافت پاداش قرار گیرد معمولاً خشنود می‌شود و انگیزه فعالیت بیش‌تری پیدا می‌کند. طبیعت انسانها به گونه‌ای است از پاداش لذت برده و هنگامی که در انجام امور مورد تشویق قرار می‌گیرند، معمولاً در صدد بر می‌آیند تا آن امور را به بهترین نحو انجام دهند. از این رو تشویق و پاداش، در اصلاح یا تثبیت رفتار بسیار مؤثر است و کارشناسان تربیتی بر استفاده از این روش در تربیت افراد تأکید فراوان دارند. تنبیه، نیز عاملی برای جلوگیری از کارهای ناپسند و زشت است. تنبیه در اصل مجازاتی است در مورد شخص خطاکار تا او را آگاه کند و از خطایش دوربدارد لذا بیشتر جنبه اصلاحی دارد و انسان را از مسیر اشتباه باز می‌دارد. در مکتب اسلام و در قرآن کریم آیات بسیاری درباب تشویق و تنبیه وجود دارد. امام علی (ع) در نامه ای به مالک اشتر می فرماید: همانا نباید نیکوکار و بدکار نزد تو جایگاه یکسان داشته باشند، زیرا این کار، نیکوکاران را به کار نیک بی رغبت می کند و بدکاران را به کار بد وا میدارد.^{۱۸} این مقوله در هر دو باب تشویق و تنبیه آمده است و در باب تنبیه نیز آمده؛ شخصی نزد امام موسی بن جعفر (ع) راجع به کودک خود شکایت کرد، حضرت فرمود، او رامزن، از او قهر کن ولی طول مده و زود آشتی کن.^{۱۹} باید به این نکته توجه داشت که صرف سیاست تشویق و تنبیه برای سبک زندگی اسلامی نمی تواند به تنهایی کافی و وافی باشد بلکه قبل از آن باید آموزش صحیح داده شود. در تعلیم و تربیت؛ اصل بر این جاری است که با توجه به موقعیت افراد و مسائل، از روش های مختلف استفاده گردد و بر این اساس، اسلام همه ی روشهای تربیتی را به کار می گیرد که هیچ جنبه ای مورد غفلت و بی توجهی قرار نگیرد.

تئوری الگوسازی^{۲۰}

در این قسمت می خواهیم این نکته را بررسی کنیم که صرف الگوسازی زندگی معصومین (ع) می تواند راهگشایی برای سبک زندگی اسلامی باشد یا در کنار آن عواملی دیگر نیاز داریم. خداوند می فرماید: آنچه پیامبر، شما آورده، آن را بپذیرید و آنچه شما را از آن باز داشته، از آن دست بردارید، و از خدا پروا کنید^{۲۱}. پس در قرآن کریم داریم که می توان از سبک زندگی پیامبر(ص) به عنوان الگویی برای زندگی خودمان استفاده کنیم. البته مشاهده شده است در برخی از موارد افراط و تفریط در این باب موجب بروز مشکلات زیادی شده است. برای مثال شخص آمده تا زندگی خود را کاملاً منطبق بر زندگی پیامبر رحمت (ص) بسازد ولی چون در این راه افراط کرده و عسر و حرجی که به خود و خانواده خود وارد نموده پس از مدت زمانی کاملاً از این راه برگشته و به طور کامل از سبک زندگی اسلامی فاصله گرفت. پس به نظر می رسد که در رابطه با سرمشق قرار دادن زندگی معصومین (ع) باید تعادل را لحاظ نمود و این تعادل دو مبنا دارد. مبنا اول این است که معصومین (ع) برای اینکه فقیرترین شخصی که در محدوده حکومت اسلامی قرار دارد با دیدن زندگی ایشان احساس ناخوشایندی از زندگی خود نداشته باشد همچنان که حضرت امیر (ع) در نامه ای آورده است: ای پسر حنیف! به من خبر رسید که برسر سفره ای رنگارنگ دعوت شدی و شتابان سوی آن رفتی و گمان

^{۱۸}. نهج البلاغه، سیدرضی، ترجمه حسین انصاریان، تهران، انتشارات پیام آزادی، چاپ نهم، ۱۳۸۰، صفحه ۶۸۳

^{۱۹}. بحار الانوار، جلد ۲۳، ص ۱۱۴

^{۲۰}. Theoretical modeling

^{۲۱}. قرآن کریم، سوره حشر، آیه ۷



نمی‌کردم که به مهمانی عده‌ای بروی (و با آنان همساز شوی) که مستمندان و نیازمندان را از خود می‌رانند و اشراف و اغنیاء را به خودمی‌خوانند. ای پسر حنیف! بدان که امام و رهبر تو از دنیای خود چیزی جز دو پاره لباس و دو قرص نان برنگزید. البته بدان که نه تو(ونه هیچ احدی) نای چنین زندگی را ندارید ولکن مرا با پرهیز کاری و پاکدامنی و تلاش و کوشش یاری کنید...^{۲۲}. مبنای دوم این تعادل در الگوسازی زندگی معصومین (ع) این است که هر زمان مقتضیات خاص خود را دارد و برخی از موارد متغیر هستند. در روایتی جالب امام رضا (ع) در جواب این پرسش که چرا لباس‌های فاخر و گران بها می‌پوشید، در حالی که اجداد و نیاکان شما، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام چنین لباس‌هایی نمی‌پوشیدند؟، فرمود: زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقر عمومی بود و پوشش مناسب آن زمان همان بود که جد ما می‌پوشید. ولی زمان ما رو به توسعه و گسترش است و اگر بخواهیم مانند نیاکان خود بپوشیم در نظر دیگران خوار می‌شویم و به ما اهانت می‌کنند^{۲۳}. با کمی تأمل در مطالب عنوان شده در این بخش می‌توان به این نکته اساسی پی برد که الگو سازی صرف نمی‌تواند به تنهای بار تعالی روز افزون سبک زندگی اسلامی را به دوش کشد.

رسانه‌ها^{۲۴}

نقش بی‌بدیلی که رسانه‌ها در زندگی و سبک و سیاق آن ایفا می‌کند غیر قابل انکار است و به نظر ما یکی از مهمترین فاکتورهای فرهنگ سازی و فرهنگ پذیری رسانه هاست. این تغییرات به گونه‌ای است که در قریب به اتفاق موارد تبادل فرهنگی^{۲۵} جای خود را به تهاجم فرهنگی می‌دهد. تبادل فرهنگی همان ارتباط منطقی و صحیح فرهنگ هاست؛ که می‌تواند در پیشرفت ارزشهای انسانی و بهتر کردن زندگی بشر مفید باشد. در تبادل فرهنگی، فرهنگ مفید و سازنده که همان حقایق و واقعیت مربوط به هنجارها، ارزش‌ها و دیگر شیوه‌های صحیح حیات مطلوب انسان‌ها است، به طور آگاهانه منتقل می‌شود. مقوله تبادل فرهنگ با انتقال عناصر فرهنگی مانند علوم، صنایع هنرهای ارزشی و اخلاقیات والای انسانی همه مردم جهان را از تجربه آگاهی و باورهای درست یکدیگر بهره‌مند می‌سازد و از آزمایش روشهای نادرست آزموده شده بی‌نیاز می‌سازد. اما تهاجم فرهنگی به دنبال از بین بردن فرهنگ درست و مثبت و گاهی نهادینه کردن فرهنگ‌های غلط با بهره‌گیری از اکراه روانی و ایجاد رغبت کاذب در جهت سلطه جویی بر جوامع است. تا جایی که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: امروز که ابزارهای ارتباطاتی، مرزهای جغرافیایی را شکسته است، اجازه ندهید شما را در مرزهای ساختگی و ذهنی محصور کنند^{۲۶}. پس می‌توان مشاهده کرد که غرب با امپراطوری رسانه خود در جهت ایجاد ضد فرهنگی^{۲۷} جدید برای ماست و در این مقام رسانه‌های ما باید به مقابله با آن بپردازند و در این راه باید از امکانات سخت افزاری و نرم افزاری به خوبی استفاده کنند. ولی متاسفانه مشاهده می‌شود که رسانه‌های داخلی نمی‌توانند از عهده این مهم بر آیند. وقتی تهاجمی فرهنگی رخ می‌دهد این تهاجم چند جانبه است از وسایل بازی کودکان گرفته تا کالا‌های صادراتی و رسانه‌های خبری بین‌المللی و از کارتون و برنامه‌های کودک گرفته تا سریالهای مخرب و

^{۲۲}. نهج البلاغه، نامه هاش، ۴۵

^{۲۳}. وسایل الشیعه کتاب صلوة ابواب ملابس باب ۸

24. Media

25. Cultural Exchange

^{۲۶}. قسمتی از نامه رهبر معظم انقلاب سید علی خامنه‌ای به عموم جوانان در اروپا و امریکای شمالی، ۱۱، ۱، ۱۳۹۳.

27. Counter Culture



مروج مصرف‌گرای. بنابراین در این زمینه مقابله کردن همتی والا، جهادی و همه‌جانبه می‌طلبد در حالی که ما در زمینه‌های مختلف دچار افراط و تفریط می‌شویم. برای مثال در محصولات رسانه‌ای برای کودکان که نسل آینده سرزمین اسلامی اند بی‌نهایت چشم‌پوشی شده است و دشمنان با تخلیه فرهنگی و جایگزین فرهنگ مطلوب خودشان موفق عمل کردند به صورتی که قهرمان‌سازی و الگوپروری کودکان ما قهرمانان افسانه‌ای و دروغین غربی شده‌اند. پشتیبانی از توسعه سینمای معرفت‌زا و بصیرت‌بخش ضمن رعایت معیارهای حرفه‌ای سینما و ایجاد زمینه و انگیزه برای فعالیت نهادهای حامی سینمای حرفه‌ای، حمایت و تقویت از جریان تولید فیلم در تمام مراحل اعم از تولید ادبیات نمایشی، فیلم‌نامه، ساخت فیلم و اکران با توجه به ارزشهای اسلامی ایرانی یک ضرورت می‌باشد. حال به نظر ما حتی اگر رسانه هم به درستی وظیفه خویش را انجام دهد و بقیه عوامل همانند خانواده، مدرسه و همسالان و از همه مهمتر قانونگذار به درستی از ایفای وظایف خویش برنیایند موفق نخواهیم بود.

اماکن مذهبی

از آنجا که در زندگی ایرانیان دین نقش عمده و تعیین‌کننده‌ای دارد، لذا به نظر می‌رسد بررسی رابطه و نقش دین در شکل‌گیری سبک زندگی امری ضروری بوده که باید مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار گیرد. در یک نگاه کلان دین و سبک زندگی اجزای فرهنگ هستند. پس با هم در حال تعامل هستند. افزون بر این نگاه کلان در بحث مفهومی، تعریف‌ها و ویژگی‌های دین و سبک زندگی نشان می‌دهد امکان ذاتی برقراری یک رابطه میان این دو مفهوم وجود دارد. زیرا سبک زندگی مطابق تعریف الگو یا کلیت رفتاری ناشی از تمایلات و ترجیح است و می‌دانیم تمایلات و ترجیح‌ها متأثر از نظام معنایی افراد است و باز هم می‌دانیم یکی از نظام‌های معنایی دین است. از سوی دیگر باید اذعان داشت که عموم ادیان دارای نظام معنایی، آموزه‌ها، نهادها و ساختارهایی هستند که پیروانشان را در ایجاد سبک‌های زندگی مبتنی بر آنها، توانمند می‌کنند. این گونه سبک‌های زندگی ناشی از یک فرهنگ دینی را می‌توان سبک زندگی دینی نامید.^{۲۸} بسیاری از روانشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که تنها روزنه‌ی امید برای رهایی از ناراحتی‌ها ایمان به خدا و اعتقاد به قدرت مافوق انسان است.^{۲۹} همچنین علما مسجد را بهترین مکان برای آموزش و تربیت افراد می‌دانند. اگر کودکان و نوجوانان پایه‌های اعتقادی استوار و تربیت دینی درست نداشته باشند، آسیب‌پذیرترین قشر جامعه در مقابل امواج گناه و فساد اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌آیند. دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی نیز، برنامه و بودجه زیادی را برای تهاجم فرهنگی اختصاص داده‌اند و با همه ابزارها و شیوه‌ها در پی جدا ساختن این قشر جامعه از جریان مقدّس اسلام و مسائل توحیدی و اعتقادی هستند. چه خوب است که برای صیانت آنان از این آفت‌ها برنامه‌ریزی کرد.^{۳۰} در میان همه مباحث و علوم دینی، پرداختن به علوم قرآن در مسجد دارای اهمیتی ویژه است زیرا قرآن و مسجد پیوندی خاص با یکدیگر دارند. پیامبر گرامی اسلام فرموده‌اند: مساجد را برای (خواندن و فهمیدن) قرآن بنا کرده‌اند.^{۳۱} به دودلیل نمی‌توان اماکن مذهبی را به تنهایی برای گسترش سبک زندگی اسلامی کافی دانست. اولین دلیل؛ تجمل‌گرایی در برخی از مساجد و عدم بکارگیری و میدان دادن به

^{۲۸}. مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۱۳۸۷، ص ۱۸۷

^{۲۹}. صانعی، صفدر، آرامش روانی و مذهب، قم: پیام اسلام، ۱۳۵۰

^{۳۰}. محدّثی، جواد، عشق برتر، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱، ص ۷

^{۳۱}. حرّعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۱۰۴ق، ج ۵، ص ۲۱۳



جوانان. عامل دوم؛ عدم حضور همه افراد در مساجد. ولی باید توجه شود که مبلغین دینی باید در این راستا بکوشند و وظیفه خود را انجام دهند تا تلاش بقیه حوزه‌ها هم از بابت عدم همراهی اینها بی‌ثمر نشود.

نتیجه‌گیری

در عصری زندگی می‌کنیم که مرزهای سیاسی شکسته شده و دیگر معنایی ندارد از سوئی در اثر پیشرفت صنعت، فناوری و ارتباطات نزدیک ملت‌ها همه چیز در همه جا در دسترس همه کس قرار گرفته است؛ و عدم ارائه راهکاری مناسب موجب دوری هر چه بیشتر از سبک زندگی اسلامی شده است. در مطالب عنوان شده در متن بالا مشاهده شد که موانع زیادی در راستای تعالی و گسترش روز افزون سبک زندگی اسلامی در جامعه ما وجود دارد به صورتی که این موانع طوری عمل می‌کند که فرهنگ اسلامی رو به فراموشی برود تا جایی که رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: بدترین مشکل یک کشور این است که تمدن و هویت خود را فراموش کند.^{۳۲} ما معتقدیم مکتب اسلام به عنوان مکتبی جامع و مانع، الگویی بی‌نظیر برای انسان در نظر گرفته که در قالب آن انسان را به بهترین نحو در تمامی شئون زندگی یاری می‌رساند بر اساس این مکتب، سبک زندگی انسان متناسب با فطرت و سرشت آدمی بوده و در پایین‌ترین سطح آن در گستره اجتماعی از جنبه نظری و عملی کاملاً عقلایی بوده و در سطوح متعالی عظیم‌ترین ذخایر روانی، اخلاقی، فکری و جسمی انسان را شکوفا نموده و مقام و کرامت انسان را به زیباترین وجه ترسیم خواهد نمود. اسلام به دلیل اطلاع کامل از همه جوانب و ابعاد آدمی به عنوان دینی پویا می‌تواند پاسخگوی تمامی نیازهای انسانی از پایین‌ترین سطح تا عالی‌ترین آنها باشد که این همان سبک زندگی اسلام است.

ما در این مقاله راهکارهای که پیش از این بیان شده بود نقد کردیم و کسانی که پیرو هریک از راهکارهای بیان شده به صورت منفردی بودند مشاهده نمودند نه تنها هیچ کدام از راهکارهایشان، پاسخی مثبت در جهت سبک زندگی اسلامی نبوده بلکه خود آنها باعث بروز مشکلاتی عدیده می‌شدند به صورتی که نتیجه‌ای عکس می‌داد. در حالی که صحیح به نظر می‌رسد که در راستای نیل به مقصودمان باید ترکیبی از تمامی راهکارها را داشته باشیم و در این مسیر هر کدام از عوامل سستی کنند ناموفق خواهیم بود در نتیجه تلاشی همه‌جانبه را از سوی خانواده، مدرسه، مبلغین دینی، روانشناسان و خصوصاً قانونگذار می‌طلبیم. و اینکه قانونگذار وارد هر حیطه‌ای نشود چون معتقدیم که قانون جایگاهی متعالی دارد که این تعالی تا زمانی است که در جایگاه خود باشد.

منابع و مراجع

۱. قرآن کریم
۲. آمدی، عبد الواحد بن محمد، غررالحکم، دارالکتاب اسلامی، بی تا
۳. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، جلد ۴، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامییه، چاپ دوازدهم ۱۳۸۳
۴. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، قم، اسماعیلیان، ج ۱۸

۳۲. بیانات مقام معظم رهبری سید علی خامنه‌ای در دیدار جمعی از نخبگان علمی - ۰۳/۰۷/۱۳۸۱



۵. بحار الانوار، جلد ۲۳
۶. بیانات مقام معظم رهبری سید علی خامنه ای در دیدار جمعی از نخبگان علمی - ۱۳۸۱
۷. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ نهم ۱۳۸۳
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت b، ۱۱۰۴ ق، ج ۵
۹. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، جلد اول، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم ۱۳۷۸
۱۰. صانعی، صفدر، آرامش روانی و مذهب، قم: پیام اسلام، ۱۳۵۰
۱۱. محدّتی، جواد، عشق برتر، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱
۱۲. مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷
۱۳. مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۱۳۸۷
۱۴. نامه رهبر معظم انقلاب سید علی خامنه ای به عموم جوانان در اروپا و امریکای شمالی، ۱۳۹۳
۱۵. نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه حسین انصاریان، تهران، انتشارات پیام آزادی، چاپ نهم، ۱۳۸۰.
۱۶. ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، ج ۱
۱۷. وسایل الشیعه کتاب صلوة ابواب ملابس باب ۸
۱۸. همتی، صفیه، نقش زنان در اصلاح سبک زندگی خانواده، جام جم آنلاین ۱۳۹۱.